

Identifying the Challenges of the Employment of the Graduates of Educational Sciences of the State Universities of East Azarbaijan Province

Fatemeh Haiderpour ¹, peyman Yar Mohammadzadeh ², Rouhollah Mahdiuon ³

1. Master of Shahid Madani University of Azerbaijan, Tabriz, Iran; (Corresponding Author), Email: amirsharafi13367@gmail.com
 2. Associate Professor of Shahid Madani University of Azerbaijan, Tabriz, Iran. Email: Dr.peyman.ymz@gmail.com
 3. Associate Professor of Shahid Madani University of Azerbaijan, Tabriz, Iran. Email: rmahdiuon@gmail.com

Article Info	ABSTRACT
Article Type: Research Article Received:2024.09.25 Received in revised form: 2025.01.21 Accepted:2025.02.24 Published online: 2025.03.21	Objective: In this research, the aim is to identify the challenges of the employment and entrepreneurship process of the graduates of educational sciences of the state universities of East Azarbaijan province; which was implemented in 1402. Methods: This research is qualitative in terms of method. The population of the current research was the graduates of the fields of educational sciences of Shahid Madani Universities of Azerbaijan and Tabriz University, which was carried out using a purposeful criterion-oriented method in the form of a snowball until theoretical data saturation. The data collection tool of this research is an in-depth semi-structured interview; And to analyze the data, conventional content analysis has been used in an exploratory way. Results: The findings of data coding led to the identification of 206 primary concepts, 17 sub-themes and 7 main themes (themes) as the challenges of the employment and entrepreneurship of the educational sciences of the universities of East Azarbaijan province. Conclusion: According to the challenges raised in the field of employment and entrepreneurship in the field of educational sciences, it is suggested that universities conduct special entrepreneurship training courses in this field, and a combination of education, research, financial support, attitude development and interaction with the labor market can Help to solve the challenges of employment and entrepreneurship in educational sciences. Keywords: Employment, Graduates , Challenge, University

Cite this article: Haiderpour, Fatemeh; Yar Mohammadzadeh, Peyman; Mahdiuon , Rouhollah (2025). Identifying the Challenges of the Employment of the Graduates of Educational Sciences of the State Universities of East Azarbaijan Province. *Higher Education Letter*, 18(69),7-21. DOI:10.22034/hel.2024.2031883.1971



© The Author(s).

Publisher: Institute for Research & Planning in Higher Education & National Organization of Educational Testing(NOET)

شناسایی چالش‌های اشتغال فارغ‌التحصیلان رشته‌های علوم تربیتی دانشگاه‌های دولتی استان آذربایجان شرقی

فاطمه حیدرپور^۱، دکتر پیمان یارمحمدزاده^۲، دکتر روح‌اله مهدیون^۳

۱. کارشناسی ارشد مدیریت و برنامه‌ریزی آموزش عالی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران؛ (نویسنده مسئول)، رایانامه: amirsharafi13367@gmail.com
 ۲. دانشیار دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران، رایانامه: Dr.peyman.ymz@gmail.com
 ۳. دانشیار دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران، رایانامه: rmahdiuon@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	هدف: پژوهش حاضر با هدف شناسایی چالش‌های اشتغال و کارآفرینی فارغ‌التحصیلان رشته علوم تربیتی دانشگاه‌های دولتی استان آذربایجان شرقی در سال ۱۴۰۲ اجرا شد.
دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۰۴	روش پژوهش: این پژوهش از نظر روش، کیفی است. جامعه پژوهش، فارغ‌التحصیلان رشته‌های علوم تربیتی دانشگاه‌های شهید مدنی آذربایجان و دانشگاه تبریز بوده است که به روش هدفمند ملاک‌مدار به صورت گلوله‌برفی تا ۱۰۰ نفر انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌های این تحقیق، مصاحبه نیمه ساختاریافته عمیق است و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از تحلیل محتوای عرفی به روش اکتشافی استفاده شده است.
اصلاح: ۱۴۰۳/۱۱/۰۲	یافته‌ها: یافته‌های حاصل از کدگذاری داده‌ها، به شناسایی ۲۰۶ مفهوم اولیه و ۱۷ مضمون فرعی و ۷ مضمون اصلی (تم) به عنوان چالش‌های اشتغال و کارآفرینی رشته‌های علوم تربیتی دانشگاه‌های استان آذربایجان شرقی منجر شد. مضامین اصلی، شامل کمبود ظرفیت آزمون‌های استخدامی و نبود ثبات شغلی (مشکلات استخدامی، مشکلات ظرفیت پذیرش، مشکلات نبود ثبات در جذب)، ضعف در آموزش مهارت‌های عملی و محتوای نامناسب و اثربخش نبودن آموزش‌ها (مشکلات ضعف آموزش مهارت، مشکلات اثربخشی آموزش‌ها، مشکلات محتوای آموزش)، کمبود حمایت مالی و قانونی دولت از رشته (مشکلات مالی، مشکلات کمبود حمایت قانونی دولت)، مشکل شناخته نشدن ظرفیت‌ها و اهمیت رشته (مشکلات جایگاه رشته، مشکل نگرش، مشکل فرهنگی)، ضعیف بودن نیازسنجی در بازار کار و نبود زمینه شغلی (مشکلات نیازسنجی، مشکلات نبود زمینه شغلی)، مشکلات سوء مدیریت سازمان‌ها و مؤسسات در زمینه استخدام (مشکلات مدیریتی سازمان‌ها، مشکلات مؤسسات کاربردی)، مشکلات کمبود ارتباط عوامل یاددهنده و یادگیرنده (مشکلات کمبود ارتباط استاد با دانشجو).
پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۰۶	نتیجه‌گیری: باتوجه به چالش‌های مطرح شده در زمینه اشتغال و کارآفرینی در رشته علوم تربیتی پیشنهاد می‌شود در دانشگاه‌ها دوره‌های آموزشی مخصوص کارآفرینی در این رشته برگزار شود. همچنین ترکیبی از آموزش، تحقیق، حمایت مالی، توسعه نگرش و تعامل با بازار کار می‌تواند به حل چالش‌های اشتغال و کارآفرینی در رشته‌های علوم تربیتی کمک کند.
انتشار: ۱۴۰۴/۰۱/۰۱	

کلیدواژه‌ها: اشتغال، فارغ‌التحصیلان، چالش، دانشگاه

استاد: حیدرپور، فاطمه؛ یارمحمدزاده، پیمان؛ مهدیون، روح‌اله (۱۴۰۴). شناسایی چالش‌های اشتغال فارغ‌التحصیلان رشته‌های علوم تربیتی دانشگاه‌های دولتی استان آذربایجان شرقی. *نامه آموزش عالی*، ۱۸(۶۹)، ۷-۲۱. DOI: 10.22034/hel.2024.2031883.1971



حق مؤلف © نویسندگان.

ناشر: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی و سازمان سنجش آموزش کشور

مقدمه

نقش اصلی آموزش عالی، تبدیل دانشجویان به یادگیرندگان پایدار، انتقادی و بازتاب‌دهنده از طریق بهبود دانش، مهارت‌ها، رویکردها و توانایی‌های آنهاست (تانگ^۱، ۲۰۱۸). بررسی عملکرد دانشگاه‌ها در این زمینه مؤلفه‌های مختلفی را نشان می‌دهد، اما یکی از مهم‌ترین آنها وضعیت اشتغال فارغ‌التحصیلان است. ایجاد فرصت‌های شغلی و توانمندسازی فارغ‌التحصیلان برای ورود به بازار کار، یکی از هدف‌های اساسی نظام آموزش عالی و دانشگاه‌ها است. با توجه به تغییرات سریع در بازار کار و نیازهای روزافزون جامعه، سیاست‌گذاران و کارفرمایان به دنبال ارائه برنامه‌های آموزشی منطبق با نیازهای بازار کار هستند. افزایش تعداد دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی نیز زمینه‌ساز اشتغال فارغ‌التحصیلان و کاهش بیکاری است (چان و لین^۲، ۲۰۱۵).

اشتغال به معنای پذیرفتن و عهده‌داری از یک شغل است و به مشغولیت افراد در یک شغل خاص اشاره دارد. همچنین، اشتغال به معنای کلی به مجموعه فعالیت‌های اقتصادی یک کشور در ارتباط با افرادی که شرایط کاری دارند، اشاره دارد. به عبارت دیگر، در این وضعیت، فرد به صورت مستقیم و فعال در فرایند تولید و ارائه خدمات شرکت می‌کند و در مقابل آن دستمزدی دریافت می‌کند (جعفری و همکاران، ۱۳۹۹). امر اشتغال در جامعه به قدری اهمیت دارد که برای ارزشیابی موفقیت یک نظام شاخص نرخ اشتغال جمعیت را مورد نظر قرار می‌دهند. هرچقدر میزان اشتغال به کار جمعیت در یک جامعه بیشتر باشد نشان‌دهنده این است که پاداش و دستمزد بالایی برای نیروی انسانی در راستای مشارکت در کار وجود دارد (تاج‌زینی، ۱۳۸۸). استراتژی‌ها و راهبردهای اشتغال‌زایی بسیار متنوع هستند؛ یکی از مهم‌ترین تقسیمات در این حوزه مربوط به سازمان‌های بین‌المللی کار است که شامل سیاست‌های فعال بازار و سیاست‌های منفعل بازار می‌شود (سازمان بین‌المللی کار، ۲۰۱۸).

بیکاری فارغ‌التحصیلان یکی از مسائل اساسی جامعه ایران محسوب می‌شود؛ چراکه می‌تواند به عنوان یک علت تبیین‌گر در برخی از مسائل و مشکلات جامعه نظیر عدم توسعه مطرح باشد. در سال‌های اخیر، آموزش عالی در ایران دارای تقاضاهای زیادی بوده که بر هم خوردن تعادل میان عرضه فارغ‌التحصیلان و تقاضای بازار کار برای جذب فارغ‌التحصیلان یکی از پیامدهای آن محسوب می‌شود. بیکاری، چالش بسیار جدی است که می‌تواند تبعات عدیده‌ای را برای جامعه به همراه داشته باشد. بر اساس تعاریف، بیکاری پدیده‌ای است که در آن افراد در سن کار واجد شرایط و متمایل به کار که در زمره جمعیت فعال اقتصادی قرار می‌گیرند، در جستجوی کار یا در انتظار بازگشت به شغل قبلی خود بوده و در زمان مرجع فاقد کار باشند (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۱).

جدیدترین گزارش وضعیت اشتغال بیکاری مرکز آمار ایران نشان می‌دهد در زمستان ۱۴۰۰ سهم جمعیت بیکار فارغ‌التحصیل آموزش عالی از کل بیکاران ۳۸/۱ درصد و سهم جمعیت شاغل فارغ‌التحصیل آموزش عالی از کل شاغلان ۲۶/۶ درصد بوده که این موضوع نگران‌کننده است. همچنین بررسی آمار سازمان بین‌المللی کار در سال ۲۰۲۱ در مورد نرخ اشتغال آموزش عالی نسبت به کل جمعیت در محدوده سنی ۱۵-۶۴ سال، نشان می‌دهد کشور ایران با نرخ ۵۶/۰۲ در بین ۷۰ کشور حائز رتبه ۶۸ است. دانش‌آموخته‌های دانشگاهی به رغم صرف هزینه‌های مالی و همچنین عنصر بالارزش زمان، اغلب بعد از اتمام تحصیلات دانشگاهی با بیکاری در بازار کار مواجه می‌شوند (کادیر و همکاران^۳، ۲۰۲۰). پیامدهای بیکاری جوانان تحصیل کرده را از دست دادن سرمایه انسانی، نابرابری اجتماعی، ناهنجاری‌های رفتاری و هزینه‌های اقتصادی معرفی کرده‌اند. در مجموع، شیوع بیکاری جوانان تحصیل کرده پیامدهای گسترده‌ای برای یک کشور به همراه دارد. اولین پیامد آن است که از دست دادن کارگران تولید ناخالص ملی واقعی را از میزان بالقوه آن پایین می‌آورد و به علت نسبت بالای جمعیت غیر مولد، نرخ شکل‌گیری سرمایه‌های تولیدی کاهش می‌یابد. این مسئله زمانی مخاطره‌آمیزتر خواهد بود که این بیکاری مربوط به بخش ماهر و آموزش‌دیده نیروی کار جوان باشد؛ دوم آنکه بیکاری بلندمدت جوانان، بدان معنی است که تازه‌واردان به بازار کار هیچ‌گونه شغلی ندارند. این مسیری است به سوی مهارت‌زدایی جوانان آموزش‌دیده که به موجب آن مردان و زنان آموزش‌دیده معمولاً هر آنچه را که در سال‌های گذشته یاد گرفته‌اند به دلیل عدم کاربرد دانش فراموش می‌کنند. در نتیجه هنگامی که برخی از آنها بعد از یک انتظار طولانی به یک شغل دست پیدا می‌کنند، به کارگرانی کم بهره‌ور تبدیل می‌شوند (ماجومدر^۴، ۲۰۱۳).

اشتغال یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های زندگی است و انتخاب شغل مناسب برای فرد اهمیت زیادی دارد. کاهش بیکاری و توسعه فعالیت‌های شغلی از اهداف اساسی کشورها است و مشکلات ناشی از بیکاری علاوه بر اثرات اقتصادی، می‌تواند به اختلالات رفتاری و اجتماعی منجر شود

1. Tang

2. Chan & Lin

3. International Labor Organization

4. Kadir et al

5. Majumder

(زنگانه و همکاران، ۱۳۹۹). به‌وضوح، بیشتر جوانان به امید یافتن شغل وارد دانشگاه می‌شوند و انتظار دارند که پس از فارغ‌التحصیلی، به شغل موردنظر خود برسند. نیروی انسانی متخصص یکی از عوامل اساسی توسعه هر کشور است و انتظار این است که فارغ‌التحصیلان دانشگاهی بتوانند شغل مناسبی پیدا کنند (حسین‌نژاد، ۱۳۹۴). دانشگاه‌ها نیز باید امکانات و توانایی‌های لازم را برای زمینه‌سازی اشتغال و کارآفرینی فارغ‌التحصیلان فراهم آورند و آموزش دانش، مهارت‌های موردنیاز بازار کار، و ایجاد پیوند با مشاغل تخصصی را تسهیل کنند. با این اقدامات می‌توان به دانشجویان کمک کرد تا انتخاب‌های صحیح تحصیلی و شغلی داشته باشند. در حال حاضر، با اشیاع بازار کار، فشار استخدامی بر فارغ‌التحصیلان افزایش یافته است و بنابراین، توانایی فارغ‌التحصیلان در انتخاب شغل مناسب بسیار اهمیت دارد (لیو^۱، ۲۰۲۰).

در دهه‌های اخیر، یکی از اساسی‌ترین دغدغه‌های مسئولان و متولیان امور، یافتن راه‌حلی برای مسئله بیکاری بوده است، به‌ویژه در رشته علوم تربیتی که حجم و گستردگی آن در کشورهای درحال توسعه یک معضل به شمار می‌رود؛ اشتغال فارغ‌التحصیلان علوم تربیتی می‌تواند از طرق مختلفی مانند استخدام، خوداشتغالی و کارآفرینی صورت گیرد. از طرفی تجارب دیگر کشورها به‌طور اعم و تجارب داخلی گذشته به‌طور اخص نشان داده است که استخدام فارغ‌التحصیلان رشته علوم تربیتی، از دو طریق دانشگاه‌های دولتی و دانشگاه‌های فرهنگیان امکان‌پذیر است. بدیهی است نظام آموزش عالی کشور، با تربیت کردن افراد توانمند و تقویت فرهنگ خوداشتغالی در بین آنها، می‌تواند درنهایت دانش‌آموختگانی را به جامعه عرضه کند که خلاقانه با شناسایی فرصت‌ها در جهت فراهم کردن مشاغل تازه گام برمی‌دارند؛ اما برخلاف این تصور آرمانی، روند فعالیت‌های آموزش عالی کشور به‌ویژه در بین رشته‌های مختلف بخش علوم تربیتی، به شکل دیگری رقم می‌خورد. تحقیقات نشان می‌دهد، تعداد دانشجویان و دانش‌آموختگان آموزش عالی علوم تربیتی مرتباً در حال افزایش است، بنابراین اگر روند موجود کماکان ادامه یابد، نرخ بیکاری در میان دانش‌آموختگان این بخش از آموزش‌یابی در مقایسه با سایر بخش‌ها افزایش بیشتری خواهد یافت. نرخ فزاینده بیکاری در ایران به‌ویژه در بین فارغ‌التحصیلان رشته علوم تربیتی، نشان‌دهنده آن است که احتمالاً آموزش‌های ارائه‌شده در نظام آموزش عالی علوم تربیتی، منطبق با نیازهای فعلی جامعه نیست. فارغ‌التحصیلان دانشگاهی وابستگی شدیدی به مؤسسات دولتی و خصوصی دارند (حمیدیه و همکاران^۲، ۲۰۲۰).

نهادهای دانشگاهی به‌خوبی شرایط ورود دانشجویان به بازار کار را فراهم نمی‌کنند. نظام دانشگاهی از مرحله پذیرش به این واقعیت توجه نمی‌کند که دانشجویان چقدر با رشته تحصیلی خود سازگار هستند و می‌توانند در آن عملکرد موفقیت‌آمیزی داشته باشند. جذب دانشجویان در دانشگاه‌ها به‌طور زیادی افزایش یافته است؛ اما تطابق آن با نیازهای بازار کار مورد توجه قرار نمی‌گیرد. بسیاری از افراد با تخصص و مهارت کافی قادر به ورود به بازار کار نیستند. محتوای آموزشی که به دانشجویان انتقال داده می‌شود، کارآمد نیست و اهمیت آماده‌سازی آنها برای ورود به بازار کار نادیده گرفته می‌شود. این نهادها در تقویت انگیزه علمی و پشتکار شغلی دانشجویان عملکرد مطلوبی ندارند. در دانشکده علوم تربیتی نیز وضعیت متفاوتی نیست و چالش‌های درون‌سازمانی از جمله فقدان تناسب میزان پذیرش دانشجویان با ظرفیت شغلی بازار کار، عدم کارایی محتوای آموزشی در آماده‌سازی شغلی دانشجویان و نبود برنامه‌های تقویت انگیزه علمی و پشتکار شغلی دانشجویان مشاهده می‌شود.

رشته علوم تربیتی یکی از رشته‌های دانشگاهی است که هدف آن تربیت متخصصانی است که بتوانند به مسائل و نیازهای آموزشی کشور پاسخ دهند. اما متأسفانه، کمبود دانشگاه‌ها در ایجاد مهارت‌های لازم در فارغ‌التحصیلان این رشته، به بیکاری عظیمی در این رشته تحصیلی منجر شده است. عدم تطابق درس‌های دانشگاهی با نیازهای شغلی جامعه، و کمبود حمایت‌های دولتی و ایجاد فضای مناسب برای اشتغال فارغ‌التحصیلان نیز مشکلاتی در اشتغال فارغ‌التحصیلان رشته علوم تربیتی ایجاد کرده است (بینقی، ۱۳۹۶).

در چند دهه اخیر، با افزایش نرخ بیکاری دانش‌آموختگان دانشگاهی، انتقادهای به آموزش عالی افزایش یافته است. برخی مسئولان تلاش کرده‌اند تا با اتخاذ تدابیری، برنامه‌های تحصیلی را با نیازهای جامعه و دنیای کار هماهنگ کنند و از این طریق بتوانند به تقاضاهای اقتصادی کشور و بیکاری دانش‌آموختگان پاسخ دهند (بینقی، ۱۳۹۶)؛ اما هنوز این هدف به‌طور کامل موفقیت‌آمیز نبوده است و به‌عنوان مثال، انگیزه لازم برای ورود دانشجویان به همه رشته‌ها و به‌خصوص علوم انسانی ایجاد نشده است. مطالعات نشان می‌دهد که آموزش عالی مهارت‌های شغلی را در دانشجویان و فارغ‌التحصیلان به‌خوبی ایجاد نمی‌کند. نتایج پژوهشی در خصوص بررسی سرنوشت شغلی فارغ‌التحصیلان دانشکده علوم تربیتی، نشان داد که حدود ۶۴ درصد از افراد، شاغل و حدود ۳۶ درصد بیکار هستند. بیش از ۵۰ درصد افراد از طریق آزمون‌های استخدامی دولتی به شغل خود رسیده‌اند. این نتایج نشان می‌دهد که سیاست‌های اقتصادی و تصمیم‌گیری‌های مجلس و دولت تأثیر زیادی بر سرنوشت شغلی فارغ‌التحصیلان دانشکده علوم تربیتی دارند. همچنین، فارغ‌التحصیلان این دانشکده از شرایط اجتماعی مرتبط با کار رضایتمندی ندارند و برای بیشترین افراد، داشتن ارتباطات اجتماعی مهم‌تر از مهارت‌ها ارزیابی شده است. در بررسی نقش موانع اشتغال دانشجویان رشته علوم تربیتی، مشخص شد که

¹. Liu

². Hamdiah et al

فقدان یا کمبود حمایت‌های دولتی از مشاغل علوم تربیتی مهم‌ترین مانع برای اشتغال فارغ‌التحصیلان در این بخش است و باعث مشکلات اشتغال‌زایی شده است. همچنین، نگرش دانشجویان نسبت به دانشگاه محل تحصیل و رشته تحصیلی نیز می‌تواند عامل مهمی در اکتساب شغل پس از فارغ‌التحصیلی باشد (مقدم و همکاران، ۱۳۹۹).

جدای از مباحث و نظریات، برنامه‌ها و اهداف آموزش عالی با دغدغه‌های شغلی دانش‌آموختگان همسو نیست. دانشجویان در دانشگاه‌ها آموزش‌های عملی کافی در زمینه مشاغل مرتبط با رشته خود دریافت نمی‌کنند و از طریق واحدهای کارورزی نیز با محیط‌های واقعی مشاغل آشنا نمی‌شوند. به همین دلیل، در راستای نوسازی نظام آموزشی با تأکید بر اشتغال فارغ‌التحصیلان، یکی از اهداف مهم آموزش عالی می‌تواند آماده کردن دانشجویان برای ورود مؤثر به بازار کار و مشاغل در جامعه باشد. علوم انسانی به‌طور کلی و رشته علوم تربیتی به‌طور خاص از این مسئله مستثنا نیستند، اما شرایط موجود نشان می‌دهد که فارغ‌التحصیلان رشته علوم تربیتی در زمینه ورود به بازار کار با چالش‌ها و مشکلات متعددی روبه‌رو هستند. شرایط جدید، شرایط علی، برنامه‌ها، عرصه، عوامل بیرونی مداخله‌کننده و بازتاب‌ها ازجمله عوامل تأثیرگذار در این زمینه است (تجری و همکاران، ۱۳۹۸).

رشته‌های دانشگاهی توانسته‌اند مفاهیم و مطالب مورد نیاز برای دستیابی فارغ‌التحصیلان به موقعیت کار مناسب را فراهم کنند. همچنین ضعف شدید درس‌ها و برنامه‌های دانشگاهی را برای رفع نیازهای بازار کار نشان می‌دهد. یکی از مهم‌ترین مشکلات اشتغال دانش‌آموختگان رشته‌های علوم تربیتی به برنامه‌ها و آموزش‌های نظام آموزش عالی مربوط می‌شود؛ دانشگاه باید با اتخاذ برنامه‌های صحیح و کاربردی در راستای آموزش‌های عملی و مهارت‌محور متناسب با رشته تحصیلی دانشجویان را برای ورود به بازار کار آماده کرده و محتواهای آموزشی را منطبق با بازار کار طراحی نماید. این برنامه‌ها به دانشجویان این امکان را می‌دهد تا با بهره‌گیری از آموزش‌های عملی و تقویت توانمندی‌ها بتوانند در محیط‌های واقعی شغل به‌درستی ایفا نقش کنند. با این حال، دانشکده علوم تربیتی نتوانسته در زمینه آموزش دانشجویان عملکرد مناسبی داشته باشد. برنامه‌های آموزشی دانشکده علوم تربیتی، ارتباط زیادی با آموزش دانشجویان برای انتقال به بازار کار ندارد. در دانشکده‌های علوم تربیتی، به واحدهای کارورزی دانشجویان اهمیت چندانی داده نمی‌شود و معمولاً برنامه‌های آموزشی این دانشکده‌ها بیشتر نظری هستند و یا با هزینه‌های بالایی برگزار می‌شوند که اغلب دانشجویان نمی‌توانند چنین هزینه‌های پرداخت نمایند. از طرفی اغلب اعضای آموزشی از نظر مطالب آموزشی علمی به‌روز نیستند و علاقه‌ای به انتقال رایگان دانش خود به دانشجویان ندارند و در بیشتر موارد به‌جای اینکه دانشجویان را به سمت‌وسوی آموزش‌های عملی و علمی سوق دهند؛ دانشجویان را درگیر کارهای پژوهشی می‌کنند (همایون‌نیا، ۱۴۰۱).

در ادامه به چالش‌هایی که در سال‌های گذشته در زمینه اشتغال فارغ‌التحصیلان علوم تربیتی شناسایی و بررسی شده‌اند، اشاره شده است. این چالش‌ها شامل مشکلات شخصی افراد مانند ناتوانی در انجام شغل، نداشتن دانش شغلی، ناتوانی در یافتن شغل، عدم هماهنگی بین علایق و روحیات دانشجویان با رشته تحصیلی و نداشتن مهارت کافی برای ورود به بازار کار است. باتوجه به اهمیت آموزش عالی در آموزش نیروی انسانی موردنیاز جامعه، پژوهش در این زمینه می‌تواند نقش مهمی در شناخت عملکرد نظام آموزش عالی در راستای اهداف آموزش ایفا کند. نتایج تحقیقات انجام‌گرفته بر روی دانشجویان و دانش‌آموختگان شهر تهران در سال‌های گذشته، می‌تواند به شناسایی چالش‌ها و مشکلات اشتغال رشته علوم تربیتی در استان آذربایجان شرقی کمک کند و بتواند به‌عنوان منبعی مفید برای مسئولان امور اشتغال جوانان مورد استفاده قرار گیرد. باتوجه به موارد گفته شده، هدف اصلی از اجرای این پژوهش، شناسایی چالش‌های اشتغال فارغ‌التحصیلان رشته‌های علوم تربیتی دانشگاه‌های دولتی استان آذربایجان شرقی است و تلاش می‌شود به این پرسش اصلی پاسخ داده شود که چالش‌های اشتغال و کارآفرینی فارغ‌التحصیلان رشته‌های علوم تربیتی استان آذربایجان شرقی کدام‌اند؟

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

تحقیقات در زمینه چالش‌های اشتغال دانش‌آموختگان رشته علوم تربیتی در ایران کمتر انجام گرفته است و بیشتر پژوهش‌ها تنها به برخی از جنبه‌های این موضوع تمرکز کرده‌اند. نتایج مطالعه محمدی‌فر و همکاران (۱۴۰۲) با عنوان «ریشه‌های بیکاری دانش‌آموختگان دانشگاهی (مطالعه موردی استان کرمانشاه)» نشان داد که رفع مشکل فرهنگی-اجتماعی، اقتصادی، حاکمیتی و دانشگاهی مرتبط با بیکاری دانش‌آموختگان مانند ضعف در فرهنگ کارآفرینی، میل به استخدام دولتی، رواج مدرک‌گرایی، تورم بیش‌ازحد، عدم جذب سرمایه‌گذاران به استان، ناهماهنگی بین نیازهای بازار کار و آموزش‌های دانشگاهی می‌تواند کمک قابل توجهی به کاهش نرخ بیکاری کند. نادری و رستمی (۱۴۰۱) در پژوهش خود با عنوان «تحلیل ژئوپلیتیکی از بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در استان کرمانشاه» به این نتایج دست یافتند که در اقلیت‌های مذهبی و قومی

و مقاطع تحصیلی کارشناسی ارشد و دکتری مؤلفه‌هایی همچون تضعیف هویت ملی، تضعیف اعتماد نهادی، احساس تبعیض یا تضعیف حس تعلق شهروندی، نمود بیشتری دارد که همین مسئله می‌تواند در آینده تهدید بزرگی برای اشتغال فارغ‌التحصیلان باشد.

شجاعی و همکاران (۱۴۰۱) در مطالعه‌ای با عنوان «برنامه درسی کارآفرین‌محور راهبرد بحران هویت در آموزش عالی (مورد مطالعه فارغ‌التحصیلان رشته علوم تربیتی)» به این نتایج دست یافتند که متغیرهای سیاست‌گذاری و مدیریت حرفه‌ای کسب‌وکارهای آموزشی و یادگیری، مدیریت فناوری اطلاعات، تصمیم‌گیری و حل مسئله ارتباطات و تعاملات مؤثر هستند. رهبری و مدیریت یادگیری و توسعه منابع انسانی تأثیر مستقیم، بر ساختار برنامه درسی کارآفرین‌محور در حوزه علوم تربیتی دارند.

نوذری و همکاران (۱۴۰۰) در مطالعه‌ای با عنوان «بررسی مسئله شغلیابی فارغ‌التحصیلان دانشگاهی و عوامل مرتبط با آن (مطالعه موردی: فارغ‌التحصیلان دانشگاه خوارزمی)» به این نتایج دست یافتند که شبکه روابط اجتماعی قوی، نقش بیشتر و مؤثرتری در اشتغال فارغ‌التحصیلان دانشگاهی دارد؛ و همچنین از میان مهارت‌های مورد مطالعه و مورد نیاز برای دستیابی به شغل مهارت‌های نرم از اهمیت زیاده‌تر و کارآمدتری نسبت به مهارت‌های فنی برخوردار است. پیرز و بیربیگال^۱ (۲۰۲۳) در مطالعه‌ای با عنوان «کدام افراد زودتر شاغل می‌شوند، مطالعه موردی: فارغ‌التحصیلان کارشناسی ارشد» به این نتایج دست یافتند که برنامه‌های آموزشی دانشگاه‌ها برای انتقال فارغ‌التحصیلان از دانشگاه به بازار کار کافی نیست و دانشجویان آموزش‌های کافی در زمینه مهارت‌های عملی و دوره‌های کارورزی دریافت نمی‌کنند. مسلیکو و زیتیمبی^۲ (۲۰۲۲) در مطالعه‌ای با عنوان «بیکاری جوانان در آفریقای جنوبی: دیدگاه فارغ‌التحصیلان بیکار» به این نتایج دست یافتند که با افزایش بیکاری فارغ‌التحصیلان در آفریقای جنوبی، فارغ‌التحصیلان از نظر تأمین شغل ناامیدتر می‌شوند؛ و عواملی مانند تقاضای محدود در بازار کار، عدم تطابق مهارت‌ها و نداشتن تجربه کاری در بیکاری فارغ‌التحصیلان مؤثر است.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر با هدف شناسایی چالش‌های اشتغال فارغ‌التحصیلان رشته‌های علوم تربیتی دانشگاه‌های دولتی استان آذربایجان شرقی انجام گرفت. این تحقیق از نظر هدف و گردآوری داده‌ها به ترتیب کاربردی، کیفی است. در سطح کیفی جامعه مطالعه حاضر همه فارغ‌التحصیلان مقاطع مختلف رشته علوم تربیتی دانشگاه‌های دولتی استان آذربایجان شرقی (دانشگاه تبریز و دانشگاه شهید مدنی آذربایجان) بود. نحوه دسترسی به جامعه آماری فارغ‌التحصیلان به این صورت بود که در دانشگاه‌های دولتی با دانشجویانی مصاحبه شد که مدرک لیسانس آنها علوم تربیتی بوده و در حال حاضر در مقاطع کارشناسی ارشد یا دکتری در رشته‌های علوم تربیتی در حال تحصیل بودند. گردآوری داده‌ها به روش هدفمند ملاک‌مدار به صورت گلوله برفی تا اشیاع نظری داده‌ها انجام گرفت. برای شروع مصاحبه با یکی از فارغ‌التحصیلان تماس حاصل شد و بعد از انجام مصاحبه به صورت نیمه ساختاریافته با فارغ‌التحصیل دوم تماس برقرار شد و به همین ترتیب مصاحبه‌ها به صورت گلوله برفی تا اشیاع نظری داده‌ها ادامه یافت. ابزار گردآوری داده‌ها مصاحبه نیمه‌ساختاریافته عمیق بود. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از تحلیل محتوای عرفی به روش اکتشافی استفاده شد. برای پاسخ به پرسش اصلی پژوهش، با فارغ‌التحصیلان رشته‌های علوم تربیتی مصاحبه صورت گرفت. این مصاحبه‌ها به صورت نیمه ساختاریافته بود و مصاحبه‌های انجام گرفته به روش تحلیل محتوای عرفی و اکتشافی تجزیه و تحلیل شده‌اند.

بعد از انجام کامل و دقیق پیاده‌سازی متن مصاحبه‌ها، تمام مصاحبه‌ها به دقت بررسی شده و مفاهیم اولیه مصاحبه‌ها پس از چندین بار بررسی دقیق توسط پژوهشگر استخراج شدند. سپس در مراحل کدگذاری، مفاهیم تکراری حذف شده و موارد مشابه با هم ترکیب شدند. لازم به ذکر است که تجزیه و تحلیل داده‌ها تا رسیدن به مقوله‌های اصلی چندین بار تکرار شد. برای پاسخگویی به مسئله، داده‌های به دست آمده از مصاحبه‌ها تجزیه و تحلیل شدند و در فرایند کدگذاری مفاهیم، مقوله‌های فرعی و مقوله‌های اصلی به ترتیب استخراج شدند.

برای حصول اطمینان از روایی پژوهش و به منظور اطمینان خاطر از دقیق بودن یافته‌های پژوهش، اقداماتی صورت گرفت از جمله: تطبیق توسط مشارکت‌کنندگان در مصاحبه: برخی از مشارکت‌کنندگان گزارشی نهایی مرحله نخست، فرایند تحلیل یا مقوله‌های به دست آمده را بازبینی کرده و نظر خود را در ارتباط با آن ابراز داشتند.

بررسی توسط استادان: استادان راهنما و مشاور، یافته‌ها و اظهار نظر در رابطه با آنها را بررسی کردند.

یافته‌ها

1. Piers & Birbigal

2. Mesliko & Zitimb

بر اساس یافته‌ها ۲۰۶ مفهوم اولیه، ۱۷ مقوله فرعی به شرح «مشکلات استخدامی، مشکلات ظرفیت پذیرش، مشکلات ناپایداری شغلی، مشکلات ضعف در آموزش مهارت، مشکلات محتوای آموزشی، مشکلات اثربخشی آموزش، مشکلات کارورزی، مشکلات مالی، مشکلات کمبود حمایت دولت، مشکلات جایگاه رشته، مشکل نگرش، مشکلات فرهنگی، مشکلات نیازسنجی، مشکلات نبود زمینه اشتغال، مشکلات مدیریتی سازمان‌ها، مشکلات مؤسسات کاریابی، مشکلات کمبود ارتباط استاد با دانشجو» و ۷ مضمون (تم) اصلی به شرح چالش‌های کمبود ظرفیت آزمون‌های استخدامی و ناپایداری شغلی، ضعف در آموزش مهارت‌های عملی و محتوای نامناسب و اثربخش نبود آموزش‌ها، کمبود حمایت مالی و قانونی دولت از رشته، مشکل شناخته نشدن ظرفیت‌ها و اهمیت رشته، چالش ضعیف بودن نیازسنجی در بازار کار و نبود زمینه شغلی، مشکلات سوء مدیریت سازمان‌ها و مؤسسات در زمینه استخدام، مشکلات کمبود ارتباط عوامل یاددهنده و یادگیرنده به‌عنوان چالش‌های اشتغال و کارآفرینی فارغ‌التحصیلان رشته‌های علوم تربیتی دانشگاه‌های دولتی آذربایجان شرقی شناسایی شده‌اند. به مقوله‌های فرعی و اصلی استخراج‌شده در جدول (۱) اشاره شده است.

جدول (۱) تحلیل داده‌های کیفی

مقوله‌های اصلی	تعداد ارجاعات	مقوله‌های فرعی	مفهوم‌سازی واحد معنایی (کد باز)
چالش‌های کمبود ظرفیت آزمون‌های استخدامی و نبود ثبات شغلی	۷	مشکلات استخدامی	عدم تطابق منابع آزمون‌ها با آموخته‌های دانشگاهی - مشخص نبودن منابع آزمون‌های استخدامی - لزوم تحصیل در مقاطع بالاتر برای دستیابی به اشتغال - کمبود آزمون‌های استخدامی متناسب با رشته - استخدام شدن فقط از طریق آزمون‌های استخدامی - مرتبط نبودن آزمون‌های استخدامی با گرایش‌های رشته علوم تربیتی - استخدام در اداره‌های دولتی فقط از طریق آزمون‌ها
	۱۸	مشکلات ظرفیت پذیرش	وجود شکاف عمیق بین تعداد متقاضیان آزمون‌های استخدامی و پذیرفته‌شدگان مشاغل - نبود ظرفیت شغلی در بخش‌های خصوصی - کمبود ظرفیت پذیرش در بخش‌های دولتی (۲) - ظرفیت کم پذیرش در آزمون‌ها (۲) - تعداد زیاد متقاضیان در آزمون‌های استخدامی و ظرفیت کم پذیرش - جذب خیلی پایین در بخش‌های خصوصی (۳) - ظرفیت پایین آزمون‌های استخدامی متناسب با رشته - کمبود ظرفیت جذب ارگان‌ها و بخش‌های خصوصی (۲) - عدم تناسب بین ظرفیت پذیرش دانشجو و اشتغال - کمبود جذب در سازمان‌ها و ارگان‌های دولتی (۲) - نبود آزمون‌های متناسب با رشته - حجم بالای متقاضیان برای شرکت در آزمون‌ها
	۹	مشکلات ناپایداری در جذب	مقطعی بودن جذب در آموزش و پرورش - ناپایداری در جذب آموزش و پرورش

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

ضعف در آموزش مهارت خاص - عدم آموزش مهارت در دانشگاه - تطابق نداشتن آموخته‌های شغلی با مهارت‌های عملی دانشگاهی - انجام مهارت‌های شغلی با آزمون و خطا - عملکرد ضعیف دانشگاه در زمینه آموزش مهارت‌های عملی - مرتبط نبودن درس‌های دانشگاهی با مهارت‌های شغلی - ضعف در آموزش دانش آگاهی و مهارت کافی برای ورود به بازار کار (۲) - نبود مهارت عملی کافی برای خوداشتغالی - ناکافی بودن مهارت‌های عملی (۳) - اولویت داشتن مهارت و توانایی نسبت به تحصیلات در مقاطع بالا - مهارت‌محور بودن مشاغل - آموزش ندیدن مهارت عملی - نقص در آموزش مهارت‌های عملی مرتبط با رشته در دانشگاه	مشکلات ضعف آموزش مهارت	۱۶	
نامرتب بودن منابع آزمون با منابع مطالعاتی دانشگاه (۲) - وجود شکاف بین آموزش‌های دانشگاهی با مهارت‌های مورد نیاز شغل - متفاوت بودن مطالب دانشگاهی با مصداق‌های شغلی - نبود خلاقیت در کارآفرینی - متناسب نبودن آموزش‌های دانشگاهی با مهارت‌های شغلی - ناکافی بودن آموخته‌های دانشگاهی در عمل - نبود پتانسیل در رشته برای کارآفرینی - ناتوانی عملی در حوزه کارآفرینی - نبود توانایی لازم از نظر عملی در فارغ‌التحصیلان	مشکلات اثربخشی آموزشی	۱۰	ضعف در آموزش مهارت‌های عملی و محتوای نامناسب و اثربخش نبودن آموزش‌ها
آرامی بودن آموزش‌های مرتبط با رشته - وجود ضعف در آموزش‌های دانشگاهی - وجود بی‌برنامگی در آموزش - مطالعات ناکافی در حوزه اقتصاد جامعه - نبود بار علمی کافی - نظری بودن درس‌های دانشگاهی - نبود زمینه برای آموزش عملی - ناکافی بودن آموزش‌های دانشگاهی - به‌روز نبودن اطلاعات عملی متناسب با شرایط جامعه - کافی نبودن بار علمی - عملکرد ضعیف استادان در زمینه آموزش - کمبود کارگاه‌های عملی در دانشگاه - نبود برنامه دانشگاه برای ورود به بازار کار - عملکرد ضعیف دانشکده در زمینه آموزش عملی - ضعیف بودن بار علمی از نظر عملی - تئوری بودن درس‌های دانشگاهی و نبود آموزش عملی - کافی نبودن آموزش عملی - وجود نداشتن توانایی عملی در دانش‌آموختگان - عدم تناسب بین واحدها و مواد آموزشی با نیازهای بازار کار - ناتوانی آموزش‌ها در به فعل آوردن استعداد و توانایی دانشجویان - نبود آموزش عملی در دانشگاه - تئوری بودن درس‌های دانشگاهی	مشکلات محتوای آموزش	۲۲	
ناکافی بودن ساعات کارورزی - سپری کردن درس‌های عملی با بی‌توجهی استادان - ضعف در همکاری دانشگاه با سازمان‌ها و ارگان‌ها در زمینه کارورزی - سپری شدن درس کارورزی به‌صورت فرمالیته با بی‌توجهی استادان - نبود همکاری بین دانشگاه و آموزش و پرورش در زمینه درس‌های عملی	مشکلات کارورزی	۵	
کسب تجربه در مدرسه‌های غیرانتفاعی با حقوق ناچیز - نداشتن سرمایه برای کارآفرینی و خوداشتغالی - در آمد پایین بخش آموزش - حقوق و مزایای پایین در بخش خصوصی (۷) - حقوق و دستمزد پایین در بخش دولتی (۲) - وجود چالش مالی در زمینه خوداشتغالی - جبران خدمات نامناسب از طرف دولت - وجود دغدغه مالی در سیستم آموزش - تأثیر منفی دغدغه‌های مالی کارکنان بر سیستم آموزش - پایین بودن جبران خدمات در بخش‌های خصوصی - میسر نبودن کارآفرینی بدون توان مالی - نیاز به سرمایه کلان در کارآفرینی - وجود موانع خوداشتغالی همچون گردش‌های مالی کلان - نبود حمایت‌های مالی دولت از افراد کارآفرین - نبود سرمایه کافی برای خوداشتغالی	مشکلات مالی	۲۲	کمبود حمایت مالی و قانونی دولت از رشته
کمبود حمایت دولت از کارآفرینان (۴) - ناکافی بودن حمایت دولت از افراد خود اشتغال (۲) - کمبود حمایت دولت از فارغ‌التحصیلان - نبود حمایت کافی دولت و دانشگاه در زمینه شغلیابی فارغ‌التحصیلان دانشگاه - کمبود حمایت دولت و دانشگاه‌ها از دانشجو در زمینه اشتغال	مشکلات کمبود حمایت دولت	۹	

مشکل شناخته نشدن ظرفیت‌ها و اهمیت رشته	۱۲	مشکلات جایگاه رشته	شناخته نشدن ظرفیت‌های رشته در جامعه - شناخته نشدن رشته علوم تربیتی - نبود جایگاه مناسب رشته علوم تربیتی در جامعه - تنزل جایگاه و ارزش علوم تربیتی در جامعه (۳) - ضعف حمایت جامعه از علوم تربیتی - کم‌اهمیت بودن رشته علوم تربیتی در جامعه - بها ندادن جامعه به رشته علوم تربیتی - جدی گرفته نشدن جایگاه رشته در جامعه - نبود جایگاه مناسب رشته در سیستم آموزش و پرورش - پایین بودن آگاهی جامعه از ظرفیت‌های رشته نبود فرهنگ کارآفرینی بین دانشجویان - ناآشنایی دانشجویان با موضوع کارآفرینی - مدرک‌گرا بودن دانشگاه‌ها - نبود درک و شناخت درست از رشته توسط فارغ‌التحصیلان - کم‌اعتمادی مؤسسات به دانش و توانایی فارغ‌التحصیلان - کم‌توجهی به نیازها و علایق دانشجویان در انتخاب شغل - سنتی بودن نگاه جامعه به رشته علوم تربیتی وجود نداشتن فرهنگ کارآفرینی در رشته علوم تربیتی - کمبود فرهنگ کارآفرینی - رایج نبودن فرهنگ کارآفرینی
چالش ضعیف بودن نیازسنجی در بازار کار و نبود زمینه شغلی	۱۸	مشکلات نیازسنجی	بالا بودن تعداد متقاضیان برای اشتغال در رشته علوم تربیتی - بالا بودن تعداد فارغ‌التحصیلان رشته نسبت به نیاز جامعه - وجود رقابت زیاد برای رسیدن به اشتغال - عدم وجود تناسب بین تعداد فارغ‌التحصیلان رشته با بازار کار (۳) - ظرفیت پایین جذب در بازار کار - جذب دانشجو در دانشگاه بدون نیازسنجی در جامعه - اشباع شدن تعداد فارغ‌التحصیلان رشته در جامعه - بالا بودن تعداد افراد متقاضی شغل - کمبود نیازسنجی شغلی در جامعه (۴) - توجه نکردن به تناسب رشته با اقتصاد و نیاز کشور - اشباع شدن رشته علوم تربیتی در جامعه - توجه نکردن دولت به نیازهای بازار کار - جذب بدون برنامه دانشجو در دانشگاه - ضعف در ارتباط دانشگاه با جامعه نبود گزینه‌های شغلی مختلف (۲) - ضعف در برنامه‌ریزی‌های جذب مشاغل توسط دولت - نبود بسترها و زیرساخت‌های لازم برای اشتغال - پیش‌بینی نکردن جایگاه‌های شغلی برای فارغ‌التحصیلان از طرف دولت - نبود تناسب بین تعداد فارغ‌التحصیلان و جایگاه‌های شغلی - کمبود جذب فارغ‌التحصیلان در ارگان‌های غیر از آموزش و پرورش (۴) - نبود زمینه اشتغال در جامعه (۴) - ضعیف بودن اقدامات دولت در زمینه برنامه‌ریزی برای اشتغال - ضعیف بودن سیستم جذب در مشاغل دولتی - پیش‌بینی نشدن زمینه‌های شغل توسط برنامه‌ریزان دولت - وجود ابهام در آینده شغلی دانشجویان - برنامه‌ریزی نادرست از طرف ارگان‌های مسئول در زمینه اشتغال - نبود زمینه کارآفرینی برای رشته علوم تربیتی - کمبود آزمون‌های شغلی مناسب رشته تحصیلی - انتظار برای آزمون‌های استخدامی دولتی (۳) - عدم جذب افراد از طریق آزمون‌های تخصصی و شایسته‌سالاری
مشکلات سوء مدیریت سازمان‌ها و مؤسسات در زمینه استخدام	۲۰	مشکلات مدیریتی سازمان‌ها	وجود سیستم انقباضی در آموزش و پرورش - ضعف شدید مدیریتی سازمان‌های جذب‌کننده (۲) - توجه به وجود سابقه کار برای جذب مدرسه‌های خصوصی (۴) - لزوم وجود معرف برای جذب در بخش‌های خصوصی - لزوم وجود سابقه کار برای تأسیس مدرسه و خوداشتغالی (۲) - لزوم داشتن پارتی برای قرار گرفتن در جایگاه اجتماعی و شغلی مناسب رشته - کوتاهی در نگهداری و ارتقای کارکنان در سازمان آموزش و پرورش - وجود بازی‌های سیاسی در سازمان‌ها (۲) - وجود مشکلات و سختی‌های زیاد در زمینه گرفتن مجوزهای خوداشتغالی - کم‌توجهی ادارات و ارگان‌ها به مدارک تحصیلی افراد برای جذب - سوء مدیریت و برنامه‌ریزی نادرست دولت در زمینه حمایت از کارآفرین - اولویت وجود معرف و آشنا برای ایجاد خوداشتغالی - نقص در مدیریت ادارات مسئول در ارائه مجوزهای قانونی - کم‌توجهی به توانایی و استعداد فارغ‌التحصیلان برای استخدام کمبود مراکز کارآفرینی - معرفی نشدن شغل‌های مناسب با رشته توسط مراکز کارآفرینی - منفعت‌طلبی مؤسسات کارآفرینی در معرفی مشاغل - نبود مؤسسات کارآفرینی دولتی - نبود مراکز مشاوره کارآفرینی در زمینه مشاغل رشته

مشکلات کمبود ارتباط عوامل یاددهنده و یادگیرنده	۲	مشکلات کمبود ارتباط استاد با دانشجو	ناکافی بودن ارتباط استاد با دانشجو - ضعف در انتقال تجربیات و معلومات استادان در زمینه مشاغل
--	---	---	---

خلاصه یافته‌های کیفی

در جدول (۲) مؤلفه‌های مؤثر بر شناسایی چالش‌های اشتغال و کارآفرینی فارغ‌التحصیلان رشته‌های علوم تربیتی دانشگاه‌های دولتی استان آذربایجان شرقی در قالب مضامین اصلی (تم) و مضامین فرعی نشان داده شده است.

جدول (۲) خلاصه یافته‌های کیفی

مضامین اصلی	مضامین فرعی
چالش‌های کمبود ظرفیت آزمون‌های استخدامی و کمبود ثبات شغلی	مشکلات استخدامی - مشکلات ظرفیت پذیرش - مشکلات کمبود ثبات شغلی
ضعف در آموزش مهارت‌های عملی و محتوای نامناسب و اثربخش نبودن آموزش‌ها	مشکلات ضعف آموزش مهارت - مشکلات اثربخشی آموزش - مشکلات محتوای آموزش - مشکلات کارورزی
کمبود حمایت مالی و قانونی دولت از رشته	مشکلات مالی - مشکلات کمبود حمایت دولت
مشکل شناخته نشدن ظرفیت‌ها و اهمیت رشته	مشکلات جایگاه رشته - مشکل نگرش - مشکلات فرهنگی
چالش ضعیف بودن نیازسنجی در بازار کار و نبود زمینه شغلی	مشکلات نیازسنجی - مشکلات نبود زمینه شغلی
مشکلات سوء مدیریت سازمان‌ها و مؤسسات در زمینه استخدام	مشکلات مدیریتی سازمان‌ها - مشکلات مؤسسات کارایی
مشکلات کمبود ارتباط عوامل یاددهنده و یادگیرنده	مشکلات کمبود ارتباط استاد با دانشجو

بحث و بررسی یافته‌های پژوهش

چالش‌های اشتغال و کارآفرینی فارغ‌التحصیلان رشته علوم تربیتی چیست؟

برای پاسخ به پرسش اصلی پژوهش، با فارغ‌التحصیلان رشته‌های علوم تربیتی مصاحبه صورت گرفت. این مصاحبه‌ها به صورت نیمه ساختاریافته بوده و مصاحبه‌های انجام گرفته، به روش تحلیل محتوای عرفی و اکتشافی تجزیه و تحلیل شده‌اند. پس از بررسی مصاحبه‌ها در چندین نوبت و کدگذاری داده‌ها ۲۰۶ مفهوم اولیه، ۱۷ مضمون فرعی به شرح «مشکلات استخدامی، مشکلات ظرفیت پذیرش، مشکلات ناپایداری شغلی، مشکلات کمبود آموزش مهارت، مشکلات محتوای آموزشی، مشکلات اثربخشی آموزش، مشکلات کارورزی، مشکلات مالی، مشکلات کمبود حمایت دولت، مشکلات جایگاه رشته، مشکل نگرش، مشکلات فرهنگی، مشکلات نیازسنجی، مشکلات نبود زمینه اشتغال، مشکلات مدیریتی سازمان‌ها، مشکلات مؤسسات کارایی، مشکلات ارتباط استاد با دانشجو» و ۷ مضمون (تم) اصلی به شرح چالش‌های کمبود ظرفیت آزمون‌های استخدامی و نبود ثبات شغلی، ضعف در آموزش مهارت‌های عملی و محتوای نامناسب و اثربخش نبودن آموزش‌ها، کمبود حمایت مالی و قانونی دولت از رشته، مشکل شناخته نشدن ظرفیت‌ها و اهمیت رشته، چالش ضعیف بودن نیازسنجی در بازار کار و نبود زمینه شغلی، مشکلات سوء مدیریت سازمان‌ها و مؤسسات در زمینه استخدام، مشکلات ارتباط عوامل یاددهنده و یادگیرنده به عنوان چالش‌های اشتغال و کارآفرینی فارغ‌التحصیلان رشته‌های علوم تربیتی دانشگاه‌های دولتی آذربایجان شرقی شناسایی شده‌اند. نتایج پژوهش‌های عبدالهی (۱۳۹۱) و کمرالزمان و سپیکون^۱ (۲۰۱۱) نشان می‌دهد که اعضای هیئت علمی علاوه بر امر تدریس دانشجویان می‌توانند به دلیل ارتباط زیاد با دانشجویان در زمینه‌های مختلف از جمله زمینه‌های مشاغل مرتبط با رشته به دانشجویان مشاوره دهند؛ بنابراین نتایج این تحقیقات با نتیجه پژوهش حاضر در زمینه مشکلات کمبود ارتباط عوامل یاددهنده و یادگیرنده همسو است.

^۱. Kemer al-Zaman & Sepiko

نتیجه‌گیری

نتایج به‌دست‌آمده از مصاحبه با دانش‌آموختگان رشته‌های علوم تربیتی نشان داد که چالش‌های زیادی در زمینه اشتغال و آموزش‌های دانشگاهی وجود دارد. باتوجه‌به پرسش اصلی پژوهش در مصاحبه هفت دسته چالش اصلی شناسایی شد که در ادامه هر یک از چالش‌ها بر اساس نتایج و مبانی نظری و پیشینه پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد.

چالش‌های کمبود ظرفیت آزمون‌های استخدامی و نبود ثبات شغلی

از دیدگاه مصاحبه‌شوندگان، با وجود تعداد زیاد فارغ‌التحصیلان رشته علوم تربیتی در جامعه، تناسبی بین ظرفیت آزمون‌های استخدامی و تعداد فارغ‌التحصیلان این رشته وجود ندارد. مصاحبه‌شوندگان معتقد بودند که آزمون‌های استخدامی که مختص رشته دانشگاهی آنها بوده است ظرفیت بسیار کم و محدودی برای پذیرش دارند؛ و علی‌رغم اهمیت رشته، افراد گزینه‌های زیادی برای اشتغال در جامعه ندارند که این موضوع موجب رقابت شدید در آزمون‌ها شده و موجبات ناامیدی افراد را به بار می‌آورد. با وجود این مشکل، فارغ‌التحصیلان علوم تربیتی به‌اجبار وارد شغل‌های نامرتبط با رشته تحصیلی خود می‌شوند؛ و این امر موجب می‌شود، از کارایی افراد کاسته شود. بر اساس نظر مصاحبه‌شونده شماره (۱) تعدادی از مشاغل استخدامی سازمان آموزش و پرورش از جمله آموزگاری که در چند سال اخیر از رشته علوم تربیتی جذب می‌کنند، به دلیل کمبود نیروی این سازمان به‌صورت مقطعی است؛ و در سال‌های آینده به دلیل اشباع افراد در این شغل جذب صورت نخواهد گرفت. بر اساس نظر مصاحبه‌شوندگان از مشکلات اساسی دیگر در زمینه آزمون‌های استخدامی این است که منابع آزمون‌های استخدامی متناسب با رشته آنها مشخص نیست و این منابع ارتباطی با آموخته‌های دانشگاهی فارغ‌التحصیلان علوم تربیتی ندارد.

این قسمت از یافته‌های پژوهش با نظریه‌های بیکاری و مشکلات آزمون‌های استخدامی، سازگاری دارد. در سال‌های اخیر، به دلیل اشباع بازار کار، فشار استخدامی بالایی بر فارغ‌التحصیلان وارد است؛ و در این میان نیل به توانایی فارغ‌التحصیلان، در انتخاب حوزه اشتغال خود یکی از اهداف ایده‌آل و ارزشمند در زندگی، یادگیری و ارتباطات دانشکده‌ها و دانشگاه است (لیو^۱، ۲۰۲۰). از نظر محقق، نبود برنامه دقیق از سوی برنامه‌ریزان دولت، در زمینه ظرفیت‌های مشاغل رشته، موجب اشباع رشته علوم تربیتی در جامعه شده است که این مسئله باعث عدم تطابق نیاز بازار کار با تعداد فارغ‌التحصیلان رشته شده است؛ و این امر موجب شده، آزمون‌های استخدامی مرتبط با رشته نتوانند جوابگوی این تعداد از فارغ‌التحصیلان در جامعه شوند و گزینه‌های شغلی زیادی برای این فارغ‌التحصیلان وجود ندارد؛ بنابراین افراد به‌ناچار وارد مشاغلی می‌شوند که به سطح توانایی‌ها و علایق آنان ارتباطی ندارد و به‌صورت مقطعی به دلیل جبران کمبود نیرو سازمان خود از رشته علوم تربیتی جذب می‌کنند.

ضعف در آموزش مهارت‌های عملی و محتوای نامناسب و اثربخش نبودن آموزش‌ها

از نظر مصاحبه‌شوندگان فارغ‌التحصیلان رشته‌های علوم تربیتی هیچ مهارت عملی مختص رشته تحصیلی خود را در دانشگاه‌ها آموزش نمی‌بینند. آموزش در دانشگاه‌ها باید ترکیبی از دانش تئوری و عملی باشد؛ ترکیب این دو عنصر می‌تواند به دانشجویان کمک کند که نه‌تنها دانش تخصصی بلکه مهارت‌های کاربردی خود را نیز به بهترین شکل به کار برند. تمرکز در دانش‌های نظری و بی‌توجهی به نیازهای جامعه چیزی جز هدررفت وقت دانشجویان و منابع مالی و افزایش مشکلات کشور را در پی خواهد داشت. طبق نظر این افراد واحدها و درس‌هایی که در دانشگاه‌ها گذرانده‌اند، به‌صورت آرمانی و دور از نیازهای واقعی مشاغل در این رشته است. از نظر مصاحبه‌شوندگان، دانشگاه‌ها در زمینه آموزش مهارت‌های عملی و برگزاری کارگاه‌های عملی عملکرد بسیار ضعیفی دارند و دانشجویان را به‌صورت عملی آماده ورود به بازار کار نمی‌کنند. از نتایج این امر، عدم به فعل آمدن استعداد دانشجویان رشته‌هایی علوم تربیتی است و این مسئله موجب می‌شود، فارغ‌التحصیلان این رشته نتوانند در زمینه خوداشتغالی و کارآفرینی هم فعالیت داشته باشند و خلاقیتی از خود نشان دهند. طبق مصاحبه‌های صورت‌گرفته، تنها واحد عملی رشته علوم تربیتی به‌عنوان کارورزی که تنها فرصت آموزش عملی برای دانشجویان این رشته است، از طرف استادان جدی گرفته نمی‌شود و به‌صورت فرمالیته این واحد گذرانده می‌شود. این قسمت از یافته‌های پژوهش با نظریه‌های اهمیت آموزش مهارت در اشتغال، سازگار است. از نظر محقق آموزش‌های دانشگاهی از نظر عملی کافی نبوده و این مسئله موجب ایجاد شکاف عمیق بین مهارت فارغ‌التحصیلان و نیازهای بازار کار شده است؛ بنابراین افراد بدون آموختن مهارت‌های مورد نیاز شغل نمی‌توانند در زمینه‌های کارآفرینی و خوداشتغالی فعالیتی داشته باشند و خلاقیتی از خود نشان دهند.

کمبود حمایت مالی و قانونی دولت از رشته

از نظر مصاحبه‌شوندگان یکی از مهم‌ترین مسائلی که موجب می‌شود، فارغ‌التحصیلان به سمت خوداشتغالی و کارآفرینی بروند؛ مسئله حمایت مالی از جانب دولت است. از نظر این افراد شروع یک کسب‌وکار و کارآفرینی نیاز به توان مالی دارد. بسیاری از فارغ‌التحصیلان خلاق و بااستعداد

¹. Ieo

به دلیل نداشتن توانایی‌های مالی نمی‌توانند در حوزه خوداشتغالی فعالیت کنند و این امر مانع جدی بر سر راه کارآفرینی و خوداشتغالی است. طبق نظر مصاحبه‌شوندگان بسیاری از افرادی که وارد بخش خوداشتغالی شده‌اند، بعد از مدت کوتاهی به دلیل عدم حمایت دولت به اجبار به کار خود در این حوزه خاتمه داده‌اند. این قسمت از یافته‌های پژوهش با نظریه‌های ذی‌نفعان آموزش عالی و دولت همسو است. تجربه کشورهای توسعه‌یافته نشان‌دهنده آن است که عدم همکاری مناسب دانشگاه و صنعت و حمایت دولت از این دو نهاد، توسعه‌یافتگی جامعه را غیرممکن یا دست‌کم دستیابی به آن را بسیار دشوار می‌کند (آچاک و مهدیانی، ۱۳۸۴). از نظر محقق دولت از فارغ‌التحصیلان علوم تربیتی، از جوانب مختلف از جمله مالی و قانونی حمایت نمی‌کند. حمایت نکردن دولت، پیامدهای زیادی برای فارغ‌التحصیلان این رشته دارد که موجب دلسردی و ناامیدی دانش‌آموختگان می‌شود. بسیاری از فارغ‌التحصیلان خلاق و بااستعداد، به دلیل نبود امکانات و سرمایه کافی و موانع قانونی، نمی‌توانند استعدادهای خود را شکوفا کنند. دولت با حمایت از نیروی انسانی آموزش‌دیده می‌تواند، توسعه و رشد جامعه را از لحاظ اقتصادی، علمی و فرهنگی تضمین کند.

مشکل شناخته نشدن ظرفیت‌ها و اهمیت رشته

از دیگر چالش‌های بیان شده در زمینه اشتغال این بود که ظرفیت‌ها و گرایش‌های رشته علوم تربیتی در جامعه شناخته نشده. علی‌رغم اینکه فارغ‌التحصیلان رشته‌های علوم تربیتی می‌توانند در مشاغل مختلف در جامعه اشتغال داشته باشند و از جهات مختلف برای توسعه و پیشرفت جامعه مفید باشند؛ این زمینه برای رشته‌های علوم تربیتی فراهم نشده است و حوزه‌های اشتغال این رشته محدود است. از نظر مصاحبه‌شوندگان نگرش جامعه به رشته علوم تربیتی دید کاملاً سنتی است و افراد بر این باور هستند که فارغ‌التحصیلان رشته‌های علوم تربیتی فقط می‌توانند، جذب آموزش و پرورش شوند و در حوزه تدریس در مدرسه‌ها مشغول به کار شوند. از نظر مصاحبه‌شوندگان به رشته علوم تربیتی در جامعه اهمیت داده نمی‌شود. اداره‌ها و سازمان‌ها جایگاه رشته علوم تربیتی را جدی نمی‌گیرند و نبود ارتباط بین دانشگاه با سازمان‌ها و ادارات از جمله سازمان آموزش و پرورش به یکی از مشکلات اصلی در این رشته تبدیل شده است و این مسئله می‌تواند برگرفته از موضوع بی‌توجهی به عرضه و تقاضا در این رشته و تعداد بالای فارغ‌التحصیلان این رشته بدون وجود زمینه شغلی باشد. از نظر محقق جامعه، اداره‌ها و سازمان‌ها از ظرفیت‌های رشته علوم تربیتی آگاهی کافی ندارند؛ و دید کاملاً سنتی به رشته علوم تربیتی دارند؛ بنابراین اهمیتی به سطح توانایی فارغ‌التحصیلان این رشته نمی‌دهند. زمینه‌های شغلی رشته علوم تربیتی برای فارغ‌التحصیلان این رشته شناخته نشده است؛ و فارغ‌التحصیلان این رشته به دلیل کافی نبودن آموزش‌های عملی دانشگاهی و نبود فرهنگ کارآفرینی نمی‌توانند به سمت خوداشتغالی بروند؛ و مسئله کارآفرینی از نظر فارغ‌التحصیلان این رشته کاملاً غیرعملی و دور از انتظار است.

چالش ضعیف بودن نیازسنجی در بازار کار و نبود زمینه شغلی

از دیگر چالش‌هایی که مصاحبه‌شوندگان بیشترین تأکید را به عنوان مانع اشتغال بر روی آن داشتند، مسئله ضعیف بودن نیازسنجی در بازار کار و نبود زمینه شغلی بود. از نظر مصاحبه‌شوندگان هیچ ارتباطی بین میزان پذیرش دانشجو و تقاضای بازار کار به نیروی متخصص وجود ندارد و به هیچ عنوان به انتظارات جامعه، توجهی نمی‌شود که علت آن، عدم هماهنگی در تصمیم‌گیری بین نظام آموزش عالی با دیگر بخش‌های جامعه به دلایلی چون نبود آمار واقعی، نبود نگرش راهبردی در قسمت‌های دولتی و خصوصی است. بر اساس نظر مصاحبه‌شوندگان لازم است تا مراکز مختلف وزارت علوم، سازمان برنامه و بودجه، استادان دانشگاه‌ها و سایر نهادهای مربوطه به طور منظم نیازسنجی دقیقی از بازار کار و نیازهای واقعی جامعه داشته باشند و در این زمینه شفاف‌سازی نمایند؛ تا افراد آگاهانه انتخاب رشته کنند و وارد دانشگاه شوند؛ به دلیل اینکه دانشجویانی که وارد رشته می‌شوند، علاوه بر ارتقای سطح علمی انتظار شغل و درآمدزایی از رشته را دارند. از نظر محقق مسئله کم‌توجهی به نیازسنجی در میزان پذیرش دانشجویان رشته‌های علوم تربیتی و عدم تعیین ظرفیت‌های واقعی مورد نیاز جامعه و بازار کار سبب افزایش بیکاری و نارضایتی در فارغ‌التحصیلان این رشته شده است.

مشکلات سوء مدیریت سازمان‌ها و مؤسسات در زمینه استخدام

از نظر مصاحبه‌شوندگان، سازمان‌ها و اداره‌های استخدام‌کننده به دانش و توانایی‌های فارغ‌التحصیلان و شایسته‌سالاری برای جذب توجهی نمی‌کنند و در اغلب موارد یاد شده از طرف مصاحبه‌شوندگان، وجود بازی‌های سیاسی و توجه نکردن به عدالت در گزینش افراد و سوء مدیریت در اداراتی که مسئول ارائه مجوزهای قانونی برای اشتغال هستند، موجب عدم اعتماد به مسئولان و دلسردی افراد می‌شود و این مسئله از مهم‌ترین دلایل بیکاری فارغ‌التحصیلان این رشته است و وجود این سوء مدیریت در سازمان‌ها و مراکز ناشی از نبود سیاست‌ها و قوانین بازدارنده از جانب دولت

است. نتایج تحقیق با مبانی نظری همسو است. از نظر محقق عدم رسیدگی به اجرای صحیح قوانین در سازمان‌های جذب‌کننده مشاغل، وجود موانع و مشکلات مدیریتی موجب دلسردی فارغ‌التحصیلان از اشتغال شده است.

مشکلات کمبود ارتباط عوامل یاددهنده و یادگیرنده

از نظر مصاحبه‌شوندگان از عوامل دیگری که در زمینه چالش‌های اشتغال بی‌تأثیر نیست، مشکل کمبود ارتباط عوامل یاددهنده و یادگیرنده است. به گفته مصاحبه‌شونده شماره (۱۳)، استادان و عوامل دانشگاهی به دلیل تعامل زیاد و ارتباط مستقیم با دانشجو می‌توانند نقش بسیار تأثیرگذاری در زمینه مشاوره‌های شغلی برای دانشجویان داشته باشند و تجربیات و اطلاعات خود را در زمینه مشاغل مربوط به رشته و زمینه‌هایی که افراد می‌توانند در آن حوزه‌ها مشغول به کار شوند به دانشجویان ارائه دهند؛ ولی فارغ‌التحصیلان به‌هیچ‌عنوان مشاوره‌ای در زمینه مشاغل مرتبط با رشته از طرف استادان و دانشگاه دریافت نمی‌کنند. نتایج تحقیق با نظریه‌های ذی‌نفعان آموزش عالی و اعضای هیئت علمی، مطابقت دارد. استادان می‌توانند علاوه بر آموزش مطالب درسی به فراگیران در راستای انجام پایان‌نامه، پژوهش‌ها و زمینه‌های شغلی مربوط به رشته، مشاوره مناسبی به فراگیران ارائه دهند (عبداللهی، ۱۳۹۱). از نظر محقق دانشگاه‌ها و اعضای هیئت علمی به‌عنوان عوامل یاددهنده و ارتباط مستقیم با دانشجویان رشته هیچ آگاهی و مشاوره‌ای در زمینه مشاغل رشته به دانشجویان نمی‌دهند.

در پایان به‌منظور رفع چالش‌ها و موانع ذکر شده در اشتغال فارغ‌التحصیلان رشته علوم تربیتی پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

- با توجه به نتایج به‌دست‌آمده از پژوهش حاضر لازم است دولت و برنامه‌ریزان توجه لازم را جهت جذب دانشجو بر اساس نیازهای بازار کار داشته باشند.

- لازم است برنامه‌ریزان آموزشی و دانشگاه‌ها به آموزش‌های عملی در کنار درس‌های نظری و به مهارت‌های مورد نیاز مشاغل بر اساس نیازهای جامعه توجه ویژه نمایند.

- دولت می‌تواند با ایجاد مؤسسات کاربایی خصوصی و دولتی به فارغ‌التحصیلان در یافتن مشاغل کمک نماید.

- دانشگاه می‌تواند با ایجاد تعامل با جامعه با نیازهای بازار کار و جامعه آشنا شوند و در زمینه مشاغل و زمینه‌های شغلی رشته به افراد مشاوره دهد.

- دانشگاه می‌تواند با برگزاری کارگاه‌های عملی به آموزش مهارت‌های واقعی مشاغل به دانشجویان کمک کند.

- دولت می‌تواند با ارائه کمک‌های مالی و حمایت از افراد کارآفرین در این حوزه به رشد و پرورش استعداد افراد خلاق کمک کند.

- برنامه‌ریزان آموزشی و دانشگاه‌ها می‌توانند با ایجاد واحدهای آموزشی در زمینه مشاغل رشته علوم تربیتی دانشجویان را درباره زمینه‌ها و مشاغل مربوط به رشته آگاه سازند.

- دانشگاه می‌تواند با معرفی دانشجویان برتر به مشاغل زمینه اشتغال دانشجویان بااستعداد را فراهم آورد.

- برنامه‌ریزان و مدیران دولتی و دانشگاه‌ها می‌توانند با نیازسنجی‌های دقیق و به‌صورت منظم در جامعه و ارائه گزارش‌های شفاف افراد را از نیازهای بازار کار آگاه سازند تا بتوانند با آگاهی کامل از ظرفیت‌ها وارد رشته‌های دانشگاهی شوند.

- دولت می‌تواند با ارائه قوانین سفت‌وسخت و بازدارنده از سوء مدیریت در برخی اداره‌ها و سازمان‌ها جلوگیری نماید.

- دانشگاه و استادان با بالا بردن روحیه کارآفرینی دانشجویان علوم تربیتی می‌توانند در ایجاد خوداشتغالی و عدم اتکا به مشاغل دولتی به دانشجویان کمک کنند.

- دانشگاه می‌تواند با بیشتر کردن ساعات واحدهای کارورزی زمینه تجربه موقعیت‌های واقعی مشاغل را ایجاد کند.

- دانشگاه می‌تواند با ارتباط مؤثر با جامعه و سازمان‌ها و ادارات زمینه اعتماد این ارگان‌ها و جامعه را به سطح دانش و توانایی فارغ‌التحصیلان ایجاد کند.

تقدیر و تشکر

این پژوهش از پایان نامه کارشناسی ارشد رشته مدیریت و برنامه ریزی آموزش عالی استخراج شده است. بدین وسیله از جناب آقای دکتر پیمان یارمحمدزاده و جناب آقای دکتر روحاله مهدیون و اعضای محترم هیئت علمی دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان برای همکاری در این پژوهش تشکر و قدردانی می شود.

Reference

- Abdullahi, H. (2012). Challenges of measuring the educational productivity of university faculty members. *Tabarati Measurement*, 2(7), 139-170. [Persian]
- Achak, S., & Mahdiani, R. (2005). A look at the role of interactions in the process of technology transfer from research centers to industry. *The 9th National Congress of Government, University and Industry Cooperation for Development*, Tehran, Iran, 22-22. [Persian]
- Babaei, M. (2021). Investigating the employment status of educational science graduates. *Two Quarterly Journals of Povish In Educational Science Education & Counseling*, 7(14), 43-60. [Persian]
- Beynagi, T., & Saidi Rizvani, M. (2017). Curriculum design of applied sciences in higher education courses: providing a suitable model *National Conference on Technology in Higher Education*, Tehran, Iran, 7-9. [Persian]
- Brachem, J., Carolin, B., Edith M.P. (2018). Job-related Requirements and Competences of Educational Science Graduates. *Journal of Further & Higher Education*, 42(2), 166-176.
- Chan, Sh., & Lin, L. (2015). Massification of Higher Education in Taiwan: Shifting Pressure from Admission to Employment. *Higher Education Policy*, 28(1), 17-33.
- Figueiredo, M., & Suleman, F. (2019). Entering the Labour Market in the Context of Higher Education reform and Economic Recession: Young Bachelor and Master Graduates in Portugal. *Journal of youth Studies*, 23(10), 1396-1417, doi:10.1080/13676261.
- Hamdiah, C., Asnariza, A., Sarboini, S., & Musriadi, M. (2020). The Effectiveness of Application of Cooperative Learning Strategies in Developing Innovation and Creativity of Entrepreneurship of Students of Serambi Mekkah University. *International conference on economic and social science, banda aceb*, andonesia, 17-18.
- Hojda, P., & Roszkowska, S. (2022). what drives labour market success? empirical analysis of university graduates in poland. *Education & Training*, 64(5), 619-641, doi:org/10.1108/et-09-2021-0354.
- Hossein Nejad, G. (2014). *Investigating the employment status of humanities graduates of Yasouj University during the years 2018-2019 and its relationship with some social and demographic variables*, Master's thesis, Department of Social Sciences, Faculty of Literature and Humanities, Yasouj University. [Persian]
- Homayun Nia, A. (1401). Examining employment challenges of educational science graduates, *4th International Conference on Law, Psychology, Educational & Behavioral Sciences*, Tehran, Iran, 30-30. [Persian]
- International Labor Organization (2018). Employment-to-population ratio -ILO modelled estimates, May 2018, <https://www.ilo.org/ilostat/faces/oracle/webcenter/portalapp/pagehierarchy/Page3>.
- Iranian Statistics Center (2022). Population and workforce data and information, retrieval in history (20/01/1401). Accessible from <https://www.amar.org.ir>. [Persian]
- Jafari Samimi, A., Yahyazadeh Far, M., & Asadi, E. (2019). The effect of economic and social factors on re-employment of retirees in Mazandaran province, *the first national conference of applied research in dynamic economy, modern management and accounting*, Babol, Iran, 2-7. [Persian]

- Kamarolzaman, N. Z. H., & Sepikun, M. H. (2011). *The Effectiveness of Teaching among Electrical Lecturer from Not Education Background*, Politeknik Port Dickson, Negeri Sembilan.
- Kadir, J. M. A., Naghavi, N., Subramaniam, G. (2020). Unemployment among graduates-Isthere a mismatch?. *International Journal of Asian Social Science*, 10(10), 583-592.
- Lasakova, A., Bajzikova, L., & Dedzi, I. (2017). Barriers and Drivers of Innovation in Higher Education Case Study-Based Evidence Across ten European Universities. *International Journal of Educational Development*, 55, 69-79.
- Liu, M. (2020). Relationship between psychological capital and employment area selection ability of college graduates: evidences from China. *Revista Argentina De Clinica Psicologica*, 29(1), 468.
- Moghadam, F., Parsa, A., & Mehr Alizadeh, Y. (2019). The impact of master's programs in educational sciences on the development of job skills, job expectations and employment chances of graduates of these fields, two quarterly studies of higher education curriculum, 11(21), 201-226. [Persian]
- Majumder, R. (2013). *Unemployment among Educated Youth: Implications for India's Demographic Dividend*. Working Paper, MPRA Paper No. 46881, posted University Library of Munich, Germany. 10. May 2013 06:57 UTC.
- Mseleku, Z. (2022). Youth High Unemployment Unemployability in South Africa: The Unemployed Graduates' Perspectives, Higher Education. *Skills & Work-based Learning*, 12(4), 775-790.
- Mohammadifar, Y., Manouri Fard, F., Almasi Fard, M., & Moradi Azani, R. (2023). The origins of unemployment among university graduates: a study of Kermanshah province. *Entrepreneurship Studies & Sustainable Development of Agriculture*, 1(10), 110-85. [Persian]
- Naderi, M., & Rostami, F. (2023). Geopolitical analysis of unemployment of university graduates in Kermanshah province. *Journal of International Political Economy Studies*, 5(2), 689-727. [Persian]
- Nozri, H., Karimi, A., & Danesh Nia, E. (1400). Career survey of finding university graduates and factors related to it (case study: Khwarazmi University graduates). *Social Issues of Iran*, 12(2), 279-259. [Persian]
- Perez, E., & Berbegal, M. (2023). Who Gets a Job Sooner? Results from a National Survey of Master's Graduates. *Studies in Higher Education*, 48(1), 174-188.
- Sameti, M. (2006). *Employment, labor market, economic policies*. Second edition, Tehran: Publications of the Institute of Labor and Social Security. [Persian]
- Tang, T. (2018). Teaching Reform of E-commerce Major in Higher Vocational Education from the Perspective of Innovation and Entrepreneurship. *International Educational Economics Social Science Arts, Sports and Management Engineering Conference*, Qingdao, China, 28-29. doi: 10.2991/ieesasm-17.2018.108.
- Taj Mazinani, A. (2010). Typologies of welfare in the world. *Quarterly Journal of Welfare System Planning & Social Development*, 2(6), 203-234. [Persian]
- Tajari, M., Salehi Imran, E., Mehr Alizadeh, Y., & Alizadeh Sani, M. (2018). Designing a model in order to rebuild the university system in educational sciences, with an emphasis on the employment generation approach, *Career & Organizational Consulting Quarterly*, 11(41), 45-78. [Persian]
- Zanganeh, N., Maschimi, M., & Samii, R., Naseri, M. (2019). Identifying and prioritizing the dimensions and components of sustainable employment with an emphasis on general employment policies using the fuzzy analysis network process. *Journal of Entrepreneurship in Agriculture*, 7(2), 75-96. [Persian]
- Shujaei, M. (2017). *Motivation and excitement*. Psychological and religious theories. Qom: Publishing House and University Research Institute. [Persian]